

فریدریش نیچه



نوشته‌های بی‌سر‌نوشت



ترجمه‌ی دکتر ابراهیم صدقیانی



سرشناسه: عنوان و پدیدآور: مشخصات نشر: مشخصات ظاهری: شابک: وضعیت فهرست نویسی: یادداشت: عنوان دیگر: موضوع: موضوع: شناسه افزوده: رده بندی کنگره: رده بندی دیویی: شماره کتابخانه ملی:

نوشته های بی سرنوشت / فریدریش نیچه؛ ترجمه ابراهیم صدقیانی
تهران - جامی، ۱۴۰۰
۳۲۸ ص.
978-600-176-286-4

فیبا
کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان **My Sister and I**
به فارسی ترجمه شده است.
خواهرم و من.
نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م -- خاطرات.
خاطرات آلمانی -- قرن ۱۹ م.
صدقیانی، ابراهیم، ۱۳۲۶، مترجم.
B۲۷۵۰
۱۹۳
۸۴۱۲۸۶۷



خیابان دانشگاه، چهارراه واحد نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۶۶۴۶۸۸۵۱ - ۶۶۴۰۰۲۲۳

www.Jamipub.ir info@jamipub.ir

نوشته های بی سرنوشت
فریدریش نیچه
ترجمه ی ابراهیم صدقیانی
چاپ اول: ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
حروفچینی: گنجینه
چاپ: فراین
حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۷۶ - ۲۸۶ - ۴

ISBN: 978 - 600 - 176 - 286 - 4

۱۰۵۰۰۰ تومان

پیشگفتار مترجم

در این پیشگفتار نیازی ندیدم که به تفسیری آکنده از جزئیات درباره‌ی شخصیت و بویژه اندیشه‌ی نیچه پردازم، زیرا خود نیچه درباره اندیشه‌ها و شخصیت خویش و نیز با اشاراتی گهگاه به سایر آثار خود در این کتاب سخن می‌گوید. بنابراین، من در این جا به برداشتی بسیار کلی، اما کلیدی، به باور من، در مورد شخصیت و اندیشه‌ی نیچه و بیان نکاتی در مورد شیوه‌ی ارائه‌ی آثار او در ایران بسنده می‌کنم.

فردریش نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) در عصر ما و در ایران سال‌های اخیر، از معدود فیلسوفانی است که بی‌تردید موضوع برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون بوده است. در این راستا و از دیدگاه تفسیر (اگرچه در محدوده‌ی کوچک روشنفکران) نیچه کم و بیش همانگونه مورد بهره‌برداری مثبت و منفی قرار گرفته که از دیدگاه سیاسی - ایدئولوژیکی در آلمان نازی و جوامعی همانند یا مخالف آن.

در ایران، برخی نیچه‌ای‌ها (به قول نیچه) در قالب مترجم و مفسر و نویسندگی ناکام، ردای او را به تن کردند و سال‌هایی از «نیچه‌زدگی» را به صورت ترجمه‌ها و تفسیرهای آثار او، با رنگ و بوی موعظه‌های پیامبرگونه و واژه‌سرایی‌های فراادیبانه، همراه با گفتگوها و کنفرانس‌ها از زبان فلان دکتر یا مترجم نیچه‌شناس به علاقمندان و کنجکاوان عرضه نمودند. و گویا جایگاهی را هم در میان صنف‌های هنری و در صفوف شبه هنری و شبه روشنفکری پیدا کرد. زیرا، زندگی و زبان نیچه ظاهراً به تناقض‌های زشت و

زیبای زندگی و عقاید اینان و نیز به بخشی از ادبیات و هنر معاصر ایران نزدیک تر بود... زمانی از سارتر و هایدگر سخن گفته می شد و حالا نوبت نیچه بود. بی تردید، شخصیت و زندگی و حتا چهره ی کم و بیش نامتعارف نیچه در برابر چهره های معمولی سارتر و هایدگر فریبندگی بیشتری داشت!

برخی نیچه شناسان و نیچه گرایان در این باره چنان پیش رفته اند که از خود نیچه هم نیچه تر شدند و نظرات او را به بهانه ی عرضه روح راستین فلسفه و شخصیت نیچه، در مقوله های ناب روشنفکرانه ریختند و در پیروی از برخی اندیشمندان اروپایی و پس از پذیرش اعتیاد، بیماری و دیگر مسائل جسمی - روانی نیچه، ویژگی های عرفانی را هم به او نسبت دادند، که بر جذابیت قضیه و والایی نیچه می افزود، بی آن که به ارتباط این عوامل با چهره ی واقعی تر نیچه بپردازند. شاید اگر نیچه زنده بود چیزی مگر شگفتی و انزجار در برابر چنین برداشت ها از خود بروز نمی داد، همانگونه که خود گفته بود: «من می خواهم در مورد یک سوء تفاهم متفکران دهم. من تنها از چیزهایی سخن می گویم که تجربه کرده ام و نه از چیزهایی که در سرم می گذرند. من نمی دانم که مسائل خالص روشنفکرانه چه هستند. باید به تجربه ی مسائل بزرگ با جسم و روح خود دست زد».

شگفتا که هیچ کس مگر یک متخصص اجازه ی پرداختن به اثری در مورد ریاضیات، مهندسی و یا پزشکی را به خود نمی دهد، اما بسیاری برای خود مسلم می دانند که به نقد و بررسی آثار فلسفی دست زنند و تناقضات روانی - اجتماعی شخصیت و زندگانی مؤلفان چنین آثاری را گره گشا باشند، گویی در این زمینه به هیچ تخصصی نیاز نیست. بی تردید، یکی از هدف های آغازین فلسفه، شاید مهم ترین آن، مردمی کردن و دستیابی به آن در گسترده ترین سطح بود، اما این موضوع توجیه گر عدم تخصصی بودن آن نیست و حتا متخصص یک رشته تنها در چهارچوب آکادمیک و با ابزار علمی اش می تواند به بررسی مورد تخصصی اش دست زند و پس از آن مجاز است، چون هر فرد عادی آزاد است که دیدگاه شخصی خود را بیان نماید، چه معمولاً با نظر

علمی‌اش در تناقض نیست.

در عصری که دانشی دقیق چون فیزیک با اصل «عدم قطعیت» گام برمی‌دارد، درک اندیشه‌ها و احساسات ظاهراً متناقض، یگانه و کاملاً عریان فیلسوفی چون نیچه و اندیشمندانی همانند او - نظیر بخشی از پیچیدگی پدیده‌های جهان اندیشه - نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد، و این‌که: «ممکن است واقعیت را لمس کرد، اما به حقیقت نمی‌توان دست یافت».

بنابراین، و در این راستا، شاید عاقلانه‌ترین و منصفانه‌ترین شیوه‌ی درک و قضاوت احتمالی درباره‌ی نیچه و یا هر اندیشمند دیگر، ارائه‌ی آثار آنان به اصیل‌ترین شکل ممکن و واگذاری نتیجه‌گیری به خود خوانندگان باشد و «به اصطلاح مفسران» تنها تلاش نمایند که دیدگاه شخصی خود را عرضه نمایند بی‌آن‌که مدافع یا سخنگوی بی‌چون و چرا و متعصب فلان اندیشمند یا مؤلف باشند.

نیچه پیش از آن‌که فیلسوفی آکادمیک باشد فیلسوفی نقاد است که فلسفه‌ی کلاسیک بسیاری از پیشینیان خود را به باد انتقاد می‌گیرد و نباید فراموش کرد که او نخست، متن‌شناس و روش‌شناس است و چون سقراط، فلسفه‌ی غیر سیستماتیک خود را به شیوه‌ای ادیبانه و غنایی در دسترس همگان قرار داد، هر چند که در درک آن از سوی همگان بسیار تردید داشت. او در واقع چون محدود اندیشمندان و هنرمندانی است که «با فلسفه‌اش آنگونه زندگی کرد که یک مرد با همسرش». تناقض‌ها و زیاده‌روی در شیوه و «خطاها»یی که برای یک فیلسوف کلاسیک گناه کبیره محسوب می‌شوند، دقیقاً همان چیزهایی هستند که از او نیچه می‌سازند. هجوم احساس در او به گونه‌ای بود که وی را به خلاصه‌گویی، سرعت، استعاره و ادا می‌کرد، و در این فرایند سریع، نیچه را می‌توان همزمان نویسنده، اندیشمند، الهیدان غیرمتعارف و حتا ایدئولوگ و نظریه‌پرداز سیاسی - اجتماعی بشمار آورد. اما برچسب واقعی بر او را تنها می‌توان در حرکت و عدم سکون اندیشه‌هایش برآورد کرد.